

استناد به اصل شخصی بودن جرم و مجازات برای این نظریه که خانواده زندانی نباید به تبع او مجازات شود و برای حل این مشکل باید ارتباط زندانی و خانواده و ارتباط با جهان خارج تأمین شود، به لحاظ حقوقی دلیل موجهی است، اما از نظر فلسفه حقوق نارسایی دارد. به سخن دیگر، اصل شخصی بودن جرم و مجازات سخنی رواست، اما مبنای «حق بودن» ارتباط زندانی با جهان خارج نیست؛ زیرا این نقض بر آن وارد می‌شود که اگر فردی مجرد بود و همسر نداشت یا فاقد پدر و مادر هم بود، دیگر نیازی به ملاقات و مرخصی ندارد، اما از نظر فلسفه حقوق اگر امری را «حق» بدانیم، استیفای آن موقوف به هیچ امر دیگری نیست و حتی نیازی نیست به اصل شخصی بودن جرم و مجازات استناد شود. در نتیجه، زندانی در حالت مجرد و به‌عنوان یک شخص و بدون توجه به داشتن یا نداشتن خانواده یا خویشاوند، به ارتباط با جهان خارج نیاز دارد. براین اساس، از نظر فلسفه حقوق، حق ارتباط با جهان خارج مانند حق غذا و آب و هواست که تأمین کردن آن مستلزم و متوقف بر هیچ شرطی از قبیل داشتن خویشاوند نیست. به این ترتیب، ممنوعیت مرخصی و ملاقات یک زندانی موجب مجازات خانواده او می‌شود؛ یعنی کسانی که محکومیتی ندارند.

از منظر روان‌شناختی، تقویت عواطف مجرم و تعلقات خانوادگی او یکی از راه‌های بازپروری و درمان است. قطع ارتباط زندانی به کاهش تعلقات عاطفی و خانوادگی می‌انجامد، در حالی که تماس‌های آزاد و مستمر تلفنی، مرخصی و ملاقات زندانی تأثیری چشمگیر بر جلوگیری از فروپاشی نهاد خانواده و تکثیر ناهنجاری و بزه دارد و نمی‌گذارد یک مجرم در جرم خویش راسخ‌تر شود و رفتار او به اعضای خانواده‌اش تسری پیدا کند. علاوه بر این، تماس‌های یادشده سبب تقویت امید به بازگشت به خانواده و جامعه می‌شود.

در زندان‌ها چند نوع ملاقات وجود دارد:

الف) ملاقات بدون تماس مستقیم و از پشت شیشه یا حائل مشبک که ویژه زندانیان خطرناک است.

ب) ملاقات عمومی که زندانی می‌تواند اعضای خانواده و بستگان یا دوستان خویش را در سالنی که به همین منظور معین شده است ملاقات کند و با همدیگر تماس مستقیم داشته باشد.

ج) در برخی از کشورها از جمله در برخی زندان‌های ایران (مانند زندان کرمان)، به منظور تحکیم پیوندهای خانوادگی علاوه بر ملاقات عمومی، سوئیت یا آپارتمان‌های کوچکی مجهز به تمام وسایل برای یک خانواده ۵ یا ۶ نفری وجود دارد که خانواده زندانی می‌توانند چند روز را با

زندانی در آن به سر برند. گاهی تا چهاربار در سال امکان این نوع ملاقات فراهم می‌شود. تعداد این نوع ملاقات به تعداد زندانیان و امکانات و سوئیت‌های موجود بستگی دارد.

د) ملاقات نوع سوم غیر از ملاقات‌های زناشویی است که در بسیاری از کشورها وجود دارد و در ایران با عنوان ملاقات ویژه یا ملاقات شرعی انجام می‌گیرد. ارتباط زندانی با جهان خارج از عوامل مؤثر در بهبود روانی زندانی، زندانبان و خانواده‌ها و محیط زندان است (باقی، ۱۳۸۴).

طرد اجتماعی (درونی و بیرون): طرد شایع‌ترین و پذیرفته‌شده‌ترین نظریه درباره پيامدهای زندانی شدن فرد است. در بسیاری از کتاب‌ها و مقالات به زبان‌های گوناگون به این مسئله اشاره شده است. بیش از ۴۰ درصد زندانیان پس از اولین آزادی با بی‌اعتنایی یا طرد از خانه مواجه شده‌اند. طرد خانوادگی برای افرادی که باسوادترند بیشتر رخ می‌دهد، اما کارفرمایان و مزدبگیران بخش خصوصی پس از اولین زندانی شدن کمتر با طرد خانوادگی مواجه شده‌اند (عبدی، ۱۳۸۱: ۸۴ و ۱۳۸۳: ۱۶۸-۱۶۹). البته این طرد فقط از سمت جامعه به زندانی صورت نمی‌گیرد، بلکه جامعه ممکن است در برابر اعضای خانواده زندانی هم با بدبینی یا احتیاط برخورد و با دوری‌گزینی رفتار کند. این نوع طرد اغلب عمیق‌تر می‌شود و به نوع دیگری درون خانواده زندانی هم رخ می‌دهد، به‌صورتی که معمولاً آن‌ها زندانی بودن عضو خانواده را حتی از بستگان و گاه از فرزندان کوچک پنهان می‌کنند و برای مثال اغلب به فرزندان خردسال می‌گویند پدرش در سفر یا مأموریت است. نکته دیگر اینکه هرچه جامعه بسته‌تر باشد، طرد شدیدتر است و در جامعه بزرگ به دلیل اینکه امکان جابه‌جایی و پنهان شدن وجود دارد، طرد هم ضعیف‌تر از جامعه بسته و کوچک است. همچنین، در جوامع باز هنجارها و نگرش‌های توسعه‌یافته‌تر ممکن است آثار کاهنده بر پدیده طرد اجتماعی داشته باشد؛ بنابراین، توسعه‌یافتگی سیاسی و فرهنگی جوامع و تغییر نگرش در آن‌ها با کاهش این آسیب ارتباط دارد.

برچسب اصطلاحی است که در روان‌شناسی بیشتر به کار رفته و از آنجا به جامعه‌شناسی هم راه یافته است، اما نظریه‌های دیگری هم هستند که کم‌وبیش همان مفهوم را بیان می‌کنند؛ مانند نظریه طرد و نظریه داغ. گافمن از جامعه‌شناسانی است که در این زمینه مفاهیمی را ابداع کرده است. برخی از این مفاهیم عبارت‌اند از: «هویت اجتماعی»، «نقش» و «داغ». داغ یا ننگ به مسئله هویت‌های خدشه‌دار شده اشاره دارد. به نظر گافمن، افراد از دو نوع داغ یا ننگ رنج می‌برند: یکی داغ بی‌اعتباری^۱ و دیگری داغ احتمال بی‌اعتباری^۲. داغ بی‌اعتباری به مسئله‌ای اشاره می‌کند که افراد

1. Discredited Stigma
2. Discreditable Stigma

در آن از هویتی ننگ‌آلود در گذشته و از ظاهر یا شخصیت خود رنج می‌برند. در این نوع داغ، کنشگر می‌داند که مخاطبان از هویت ننگ‌آلود خبر دارند و در نتیجه وی می‌کوشد در کنش‌هایش این مسئله را مدیریت کند و از تنش‌های آن جلوگیری کند، اما داغ احتمال بی‌اعتباری هنگامی است که دیگران از هویت وی خبر ندارند و این احتمال وجود دارد که به آن پی ببرند. در این مورد، کنشگر می‌کوشد آن موضوع را پنهان کند یا به‌گونه‌ای سامان دهد که همچنان پنهان بماند. گافمن در کتاب معروف خود به نام *داغ* باور دارد که همه ما از نوعی داغ رنج می‌بریم و می‌کوشیم آن را در کنش‌هایمان پنهان کنیم (ریتزر، ۱۳۷۴: ۲۹۸). خانواده زندانیان از وجود برچسب خانواده زندانی رنج می‌برند و آن را داغی می‌دانند که می‌کوشند برای جلوگیری از عوارضی چون طرد اجتماعی نقل مکان کنند و در گمنامی به سر ببرند. مسئله پنهان‌کاری درباره زندانی بودن یکی از والدین پدیده‌ای شایع است و فقط مختص ایران یا کشورهای دیگر نیست و تقریباً در همه‌جا متداول است. دو مورد پژوهش در دیگر کشورها نشان می‌دهد تقریباً به یک‌سوم از کودکان زندانیان درباره محکومیت پدرانشان دروغ می‌گویند، به یک‌سوم سخنان بیهوده می‌گویند و فقط به یک‌سوم در این مورد اطلاعات درست می‌دهند. ریچاردز در سال ۱۹۹۴ دریافت که در کمتر از نیمی از خانواده زندانیان، تمام کودکان درباره محکومیت پدران یا مادران خود اطلاع داشتند (فرقدان، ۱۳۸۹: ۳۱).

از ناکارآمدی تا بدآموزی زندان و تأثیرش در خانواده: درباره تأثیرات منفی و معکوس زندان در دهه‌های اخیر به‌وفور سخن گفته شده است (فوکو، ۱۳۷۸: ۱۴۴-۱۴۵، گیدنز، ۱۳۷۹: ۱۷۰-۱۷۱، آنسل، ۱۳۶۶؛ علوی، ۱۳۹۰: ۱۲۹؛ عبدی، ۱۳۸۱: ۸۷-۸۸). هم‌زمانی درباره بدآموزی زندان در حدی است که محققان در سراسر جهان بر این نکته اجماع دارند. بررسی وضع زندان‌ها و جرم در کشورهای مختلف نشان می‌دهد یکی از کانون‌های اصلی شکل‌گیری باندهای قاچاق و شرارت و کلاهبرداری زندان‌ها هستند. زندان به گفته برخی نویسندگان مدرسه آموزش جرم است (آشوری، ۱۳۸۲). بدآموزی زندانی به او محدود نمی‌ماند و مطالعات نشان می‌دهند که احتمال کجروشدن فرزندان و نزدیکان زندانیانی که دچار بدآموزی زندان شده‌اند بیش از دیگران است.

پیش‌بینی روند آینده و مخاطرات و چالش‌های احتمالی موضوع: بررسی‌های آماری نشان می‌دهد روند زندانی‌شدن در ایران صعودی بوده است، به‌صورتی که از ۲۲۴۰۰ نفر زندانی در سال ۱۳۵۹ به حداقل ۲۲۰ هزار زندانی در سال ۱۳۹۱ (طبق آمار مرکز بین‌المللی مطالعات زندان)

رسیده است؛ یعنی درحالی که آمار جمعیت کشور کمی بیش از دوبرابر شده است، آمار زندانیان ده برابر شده است. ادامه این روند مسئله زندان و خانواده زندانیان را نه تنها به یک بحران که به منبع برخی بحران‌های اجتماعی تبدیل می‌کند. نشانه‌های این بحران از حالا آشکار شده است. رشد پدیده تکرار جرم، بازگشت مجدد به زندان و فزونی گرفتن آمار محکومان به اعدام و اعدام‌های انجام گرفته در چند سال اخیر و تأثیرات ویرانگر آن، بیانگر تبدیل شدن این نوع مجازات به یکی از منابع شکاف دولت-ملت و ایجاد بدبینی و بی‌اعتمادی و ناکارآمدی زندان بوده است که بر این اساس باید راهکارهای مؤثری اندیشیده شود.

هرچه آمار زندانیان افزایش یابد، ابعاد پیامدهای منفی زندان بر خانواده‌های زندانیان نیز به همان نسبت بزرگ‌تر می‌شود. با لحاظ کردن نرخ فزاینده رشد تورم و بیکاری در دهه هشتاد تا اوایل دهه نود شمسی، وقتی خانواده‌ای در این شرایط اقتصادی بی‌سرپرست شود، دچار فقر مضاعف و تنگناهای شدیدتری نسبت به سایر خانوارهای هم‌پایگاه می‌شود. چشم‌انداز اقتصادی پیش رو نشان می‌دهد اگر تورم و بیکاری افزایش نیابد، در آینده نزدیک کاهش هم نمی‌یابد؛ بنابراین، پیش‌بینی می‌شود روند کنونی رو به رشد جمعیت زندانیان از نظر پیامدهای ویرانگر اقتصادی بر خانواده‌ها، وسیع‌تر باشد.

راهکارها

راهکارهای مورد نظر نخست برای نهادهای درگیر در مسئله و دوم برای نهادهای قانونگذاری و اجرایی است.

مهم‌ترین سازمان‌های ذی‌ربط به ترتیب عبارت‌اند از: سازمان اقدامات تأمینی و تربیتی (موسوم به سازمان زندان‌ها)، انجمن حمایت زندانیان (که هیئت‌مدیره آن از دادستان و رئیس سازمان زندان‌ها و چند معتمد محلی تشکیل می‌شود)، کمیته امداد امام، سازمان امور بهزیستی. بخشی از نارسایی و ناکامی آن‌ها در کارکردهایی که بر عهده دارند ناشی از برنامه‌ها و سیاست‌های کلان است و بخشی دیگر هم ناشی از ضعف‌های درونی خود آن‌هاست که نقد عملکرد آن‌ها نیازمند اجرای طرح تحقیقی مستقلی است. در میان نهادهای درگیر در این موضوع جای ارگان‌های دولتی دیگر و ارگان‌های نیمه‌دولتی مانند شورای شهر و شهرداری‌ها و به‌ویژه جای نهادهای مدنی که ساختاری داوطلبانه و بسیار کم‌هزینه دارند، خالی است، درحالی که مشارکت آن‌ها در نظارت و مدیریت زندان و پیامدهای آن به‌ویژه در مورد خانواده‌ها یکی از مهم‌ترین راه‌های کنترل وضعیت است.

روند افزایشی آمار زندانیان در جهان و ایران از یک سو (عبدی، ۱۳۸۱: ۷۷-۷۸ و ۱۳۸۳: ۱۵۹-۱۶۰) و ناکارآمدی زندان از سوی دیگر و اینکه اگر هم کارآمد باشد با «منطق هزینه و فایده»، کارایی اجتماعی و اقتصادی ندارد، موجب اتخاذ راهکارهایی اجتناب‌ناپذیر در این زمینه شده است. در ادامه، با بهره‌گیری از تجارب و مطالعات و از جمله پژوهش حاضر چند راهکارها پیشنهاد می‌شود.

۱. در سطح کلان

۱-۱. تعیین مدل کیفری: مدل کنترل جرم که سرکوب جرم را به همراه دارد از یک سو موجب کاهش تعداد زندانیان و بازپروری نمی‌شود و از سوی دیگر عوارض آن بر خانواده‌ها و جامعه شدیدتر است، اما مدل تشریفات دادرسی که براساس بازپروری و احیای مجرم قرار دارد، به رابطه زندانی و خانواده اهمیت می‌دهد و در نتیجه عوارض تخریبی‌اش کمتر است.

مدل «کنترل جرم» مبتنی بر حقوق تنبیهی است و در آن «مصلحت عامه» بر «حقوق فردی» برتری دارد و جلوگیری از جرم مهم‌ترین وظیفه قوه قضاییه است و دادگاه به جای حمایت از حقوق متهم باید بر احقاق حقوق قربانیان متمرکز شود و دست پلیس برای تحقیق و بازرسی و... باید باز باشد. به همین دلیل، تمام رویه دادرسی یک پرونده از بدو جلب متهم تا نحوه برگزاری دادگاه، تحت تأثیر همین «مأموریت» دستگاه قضایی شکل گرفته است. در این سیستم، دغدغه اصلی دستگاه قضایی بیش از آنکه «اعمال قانون» باشد، کشف حقیقت و اثبات جرم واقعی متهم و حفظ اقتدار دستگاه قضایی است، اما مدل «دادرسی عادلانه» مبتنی بر حقوق ترمیمی است و هدفش احیای بزهکار است و بر حقوق متهم متمرکز می‌شود. این مدل براساس ارجحیت «حقوق اساسی متهم» و ضرورت مهار قوای قهریه بنا شده است (هافمن، بی تا: ۱۰-۱۲).

نکته کلیدی توجه به فلسفه زندان در جهان مدرن است. در گذشته که پارادایم نظام حقوقی، حقوق تنبیهی بود، فلسفه زندان، مجازات و تنبیه و انتقام از مجرم و اعمال درد یا نقص بر مجرم بود. در جهان مدرن، پارادایم نظام حقوقی، حقوق ترمیمی است و مجرم را نه یک جانی یا مجرم بالفطره بلکه یک بیمار می‌دانند یا او را قربانی مناسبات و مدیریت‌های نادرست اجتماعی یا خانوادگی تلقی می‌کنند و این نکته را در نظر می‌گیرند که امکان داشت هر مجرمی با وجود یا فقدان یک حادثه یا لحظه یا عامل در زندگی‌اش مسیری دیگر بییابد و به جای یک مجرم، یک شهروند فعال و مفید باشد؛ بنابراین، در جهان مدرن انسجام اجتماعی از نوع ارگانیکی مبنای روابط

اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی است. فلسفه زندان عبارت است از بازپروری حتی اگر این بازپروری درباره عده‌ای از زندانیان ناکام بماند. در این سیستم، زندانبان باید خود را یک امانتدار بداند و آگاه باشد که هدف از زندان، تنبیه نیست، بلکه دور نگهداشتن مجرم از جامعه و ممانعت از آسیب‌رساندن به دیگران است؛ بنابراین، او خود را نه یک مأمور عذاب، بلکه باید امانتداری بداند که هدفش بازپروری زندانی است.

حجم شکایات وارده به نهادهای مرتبط (مانند کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، کمیسیون حقوق شهروندی دادگستری، کمیته حقوق بشر قوه قضاییه، همچنین نهادهایی چون کمیسیون حقوق بشر اسلامی و انجمن دفاع از حقوق زندانیان و نیز اخبار و گزارش‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای) نشان می‌دهد رفتار با زندانیان و خانواده‌ها مطلوب و متناسب با قوانین و مقررات موجود نیست (اطلاعات میدانی محققان). در چارچوب فلسفه بازپروری و ترمیمی، باید رفتار زندانبان با خانواده زندانی محترمانه باشد. خانواده زندانی نسبت به خود زندانی رنج بیشتری را تحمل می‌کند و یکی از نقدهای اساسی بر زندان این است که خانواده زندانی نیز به تبع حبس او، به‌طور مضاعف مجازات می‌شود؛ زیرا رنج دوری زندانی، نگرانی درباره وی، محرومیت‌های ناشی از نبود زندانی به‌ویژه اگر سرپرست خانوار باشد، مشقت تأمین هزینه‌های زندانی، پیگیری امور حقوقی او و ملاقات با زندانی را متحمل می‌شوند و در زمینه زندانیان بزهکار، احساس تحقیر و سرزنش دیگران را نیز به جان می‌خرند. در نتیجه، رعایت حرمت خانواده که جرمی ندارند و شرایط دشوارتری را تحمل می‌کنند ضروری است (باقی، ۱۳۸۷: ۷۲) که براین اساس از آثار تخریبی بر خانواده زندانیان و در نتیجه بر جامعه کاسته می‌شود. تحقق این مهم نیز در گرو انتخاب رویکرد ترمیمی و مدل کیفری مناسب است.

۱-۲. شفاف‌سازی و ارائه آمار و اطلاعات واقعی: پنهان‌سازی واقعیت‌ها راه را برای شناخت علمی و تحلیل مسئله و یافتن راهکارها مسدود می‌کند و در نتیجه معضلات بر جای خود باقی می‌مانند و به آسیب پایدار تبدیل می‌شوند و هزینه‌ها را افزایش می‌دهند و به بحران‌های لاعلاج تبدیل می‌کنند. نمونه مسئله یادشده حذف آمار زندانیان از منابع رسمی است که امکان بررسی را از محققان سلب می‌کند و ابعاد مشکل را پنهان می‌سازد و نمی‌توان کمیت و کیفیت تعداد جمعیت و خانوار درگیر با پدیده را دریافت. پنهان‌کاری اطلاعات از دو نظر زیان‌آور است: یکی از دسترس خارج کردن اطلاعات و آمار برای شناخت علمی مسائل و آسیب‌های اجتماعی و راه‌حلیابی و دوم بسترسازی برای شایعه و رواج اطلاعات غلط که موجب کاهش سطح اعتماد اجتماعی نسبت به نهادها و رسانه‌ها می‌شود و مشکلات را دوچندان می‌سازد.

۲. در سطح میانی

۲-۱. انسانی‌تر کردن شرایط زندان با توجه به تأثیرات محیط فیزیکی بر روان و اخلاق فرد: انسانی‌تر کردن شرایط آن‌گونه که از عنوان سازمان حمایتی ذی‌ربط برداشت می‌شود: «سازمان اقدامات تأمینی و تربیتی». تحقق این وظیفه با تسهیلات بیشتر برای ملاقات و تلفن و مرخصی امکان‌پذیر می‌شود.

۲-۲. توانمندسازی خانواده: تقویت مدیریت خانواده و اصلاح الگوی ساختار قدرت در این نهاد بنیانی مانند آموزش دموکراسی گفت‌وگویی و مدارای متقابل، برای رویارویی با مشکلات و پیچیدگی‌های جامعه امروزی. امروزه اصطلاح «خانواده‌درمانی» بیانگر نقش کلیدی خانواده در پیشگیری از مشکلات اجتماعی از جمله بزهکاری و پدیده زندان است. مقوله توانمندسازی خانواده ارتباطی مستقیم با موضوع بحث ندارد و یک راه‌حل کلی برای جامعه است و جنبه پیشگیرانه و جلوگیری از زندانی‌شدن افراد دارد، اما بی‌تردید خانواده‌ای که یکی از اعضایش زندانی شده باشد، از جهات متعدد احساس ضعف و ناتوانی می‌کند و توان انتخاب را در بسیاری از زمینه‌ها از دست می‌دهد؛ بنابراین، کوشش برای تقویت اعتمادبه‌نفس و قدرت انتخاب در چنین خانواده‌هایی ضرورتی غیرقابل‌انکار ارزیابی می‌شود. مواردی مانند ارائه خدمات مشاوره‌ای توسط نهادهای مدنی و نیز سازمان زندان‌ها برای خانواده زندانیان، تأمین معاش خانواده، تأمین اقتصادی همسر در زندان، کمک به رفت‌وآمد به زندان‌های دور از شهر، کوشش برای تغییر نگرش به خانواده زندانی و سایر حمایت‌ها در این پژوهش بررسی شده است که می‌توان در فرایند بازتولید مسئله زندانی و پیامدهای آن بر خانواده زندانی به آن‌ها توجه کرد. در نتیجه، توجه به مقوله توانمندسازی خانواده زندانیان اهمیت می‌یابد.

۲-۳. زندان باز: این نوع زندان‌ها مقررات بازتری در مقایسه با زندان‌های بسته دارند. در این نوع زندان‌ها، امکان اشتغال برای زندانی و کسب درآمد وجود دارد. هرچند دستمزدهای پیش‌بینی‌شده از تعرفه‌های رسمی تبعیت نمی‌کنند و گاه به کمتر از نیمی از تعرفه‌های موجود می‌رسند، حداقل هزینه‌های زندانی را در داخل زندان تأمین می‌کنند و بار سنگین آن را از دوش خانواده برمی‌دارند. همچنین، زندان موظف است درصدی از این درآمد را به حساب خانواده زندانی واریز کند، درحالی‌که در زندان بسته امکان چنین فعالیت و درآمدی وجود ندارد. زندان‌های باز نیز به‌طور کلی عوارض زندان را از بین نمی‌برند، اما به‌دلیل فراهم‌ساختن امکان ارتباط بیشتر زندانی با خانواده از یک‌سو و جلوگیری از تخریب گسترده‌تر روانی برای زندانی از سوی دیگر

موجب کاهش آثار تخریبی زندان بر خانواده زندانی و بر جامعه می‌شوند و از این نظر کارآمدتر از زندان‌های بسته ارزیابی می‌شوند. مسئولان از دیرباز به این راهکار توجه داشته‌اند، اما تاکنون در عمل پیشرفت درخوری در این زمینه نداشته‌اند. در ماده ۲ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹، دولت مکلف است ظرف پنج سال از تاریخ تصویب این قانون اقدام به تشکیل مؤسساتی کند که برخی از این مؤسسات عبارت بودند از مراکز معالجه مجرمان معتاد به استعمال الكل و مواد مخدر کارگاه‌های کشاورزی و صنعتی. در ماده ۶ این قانون مقرر شد هرگاه کسی مرتکب جنحه یا جنایت شود که مجازات قانونی آن حبس است، دادگاه می‌تواند ضمن حکم مجازات، در صورت وجود شرایط لازم، مجازات معین شده درباره او را بلا اجرا بگذارد و دستور نگهداری او را در یک کارگاه کشاورزی یا صنعتی برای مدتی نامعین بدهد.

۲-۴. حمایت نهادهای مدنی: یکی از منابع اصلی اختلال‌های ناشی از زندانی شدن فرد در خانواده و پیامدهای تخریبی آن در جامعه، نبود نهادهای مدنی و حمایتگر است. فلسفه جامعه مدنی ویژگی‌هایی دارد که اهم آن التیام‌بخشی است. جامعه مدنی شکاف دولت و ملت را پر می‌کند. وجود نهادهای مدنی که حمایت حقوقی و مشاوره روانی و پزشکی و حتی در موارد ضروری حمایت‌های مادی داشته باشند، نقشی بسزا در کاهش عوارض سوء زندان بر خانواده جامعه دارد.

۲-۵. نقش رسانه‌ها: اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی و تحلیل مسائل از آشکارترین نقش‌های رسانه‌ها اعم از نوشتاری و دیداری و شنیداری است و با مشارکت آن‌ها بسیاری از مسائل اجتماعی را می‌توان بهینه‌تر و پایدارتر حل و رفع کرد. از جمله در زمینه زندان، نقش رسانه‌ها در تغییر نگرش‌ها در مردم و در قانونگذاران و قوه قضاییه تعیین‌کننده است.

۳. سطح خرد

۳-۱. مجازات جایگزین حبس در فرایند اصلاح قوانین کیفر (مانند دستبند الکترونیکی و...): این تدبیر البته ایده بدیعی نیست و در دوره ۱۳۷۸-۱۳۸۸ مدیریت قوه قضاییه مطرح بود. در همان دوره، لایحه مجازات جایگزین زندان از سوی قوه قضاییه به منظور بررسی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد و در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس بررسی شد. این لایحه مجازات اجتماعی جایگزین زندان را به دوره‌های مراقبت، خدمات عمومی، جزای نقدی روزانه و محرومیت موقت از حقوق اجتماعی تفکیک می‌کند که با مشارکت مردم و نهادهای مدنی اعمال

می‌شود. براساس مفاد این لایحه، دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن دادگاه فرد را با رعایت شرایطی، حداکثر سه سال به اجرای یک یا چند مورد از دستورات زیر محکوم می‌کند:

۱. اقامت در محل معین،
۲. منع اقامت یا تردد در محل یا محل‌های معین،
۳. حرفه‌آموزی یا گذراندن دوره‌های آموزشی و مهارتی،
۴. ارائه خدمات به بزه‌دیده در راستای رفع یا کاهش آثار زیانبار مادی یا معنوی ناشی از جرم یا رضایت بزه‌دیده،
۵. معرفی خود به شخص یا مقام یا مراکز یا نهادهایی که دادگاه تعیین می‌کند،
۶. خودداری از تجاهر به ارتکاب محرمات و ترک واجبات،
۷. ترک معاشرت با اشخاصی که دادگاه معاشرت با آن‌ها را برای محکوم‌علیه مضر تشخیص می‌دهد یا منع اشتغال به کارهای معینی که زمینه ارتکاب جرم را فراهم می‌کنند،
۸. الزام به فراگیری آداب معاشرت خانوادگی و اجتماعی و پایبندی به آن،
۹. اقدام به درمان اختلال‌های روانی-رفتاری و جسمانی خود.

کلیات لایحه مجازات اجتماعی جایگزین زندان که در شش فصل، مواد عمومی، دوره مراقبت، خدمات عمومی، جزای نقدی روزانه، محرومیت از حقوق اجتماعی و مواد متفرقه و ۳۲ ماده تنظیم شده بود، در جلسه چهارشنبه ۲۴ مهر ۱۳۸۷ با ۱۵۵ رأی موافق و ۶ رأی مخالف تصویب شد و منتظر تصویب نهایی بود، اما سال‌ها در مجلس بلاتکلیف ماند تا اینکه با نهایی شدن قانون مجازات اسلامی جدید قسمت‌هایی از لایحه مجازات جایگزین نیز در قانون جدید مجازات اسلامی ادغام شد.

جایگزین‌های جبرانی: طبق بند ۱ ماده ۴۱ قانون جدید آیین دادرسی کیفری فرانسه، قانونگذار برای دادستان این اختیار را قائل شده است که اگر با لحاظ شخصیت مجرم از یک‌سو و جرم ارتكابی از سوی دیگر تعقیب را مناسب نداند- و به عبارت دیگر تعقیب و مجازات متهم راه‌حل مطلوب برای پایان به اخلاقی که در نظم جامعه بر اثر ارتكاب جرم وارد آمده نباشد- بتواند از راه‌حل‌های جایگزین استفاده کند. همچنین، دادستان مجاز است پیش از تصمیم‌گیری نسبت به اقامه یا عدم اقامه دعوی عمومی، به‌تنهایی یا از طریق نماینده خود اقدام‌های برشمرده‌شده در این ماده را مانند «فراخوانی به رعایت قانون» انجام دهد (آشوری، ۱۳۸۲). این تدبیر جایگزین که قدیمی‌ترین و متداول‌ترین اقدام است، از دیرباز در دادرسی با عنوان «تذکر مقررات قانونی» به‌کار گرفته شده است.

۲-۳. اعمال مجازات متناسب با وضعیت روحی و جسمی برای زنان: برای زنان تمهیداتی اندیشیده شود و اصل بر این باشد که تا حد امکان دوره حبس خود را در خانه بگذرانند و از دستبند الکترونیکی استفاده شود. در قرآن نیز اولین مجازات برای زنان شوهرداری که مرتکب

خیانت جنسی می‌شوند حبس در خانه است، اما در دوره کنونی این اقدام باید با دستور قضایی و پس از تشریفات دادرسی عادلانه و با نظارت مراجع قانونی باشد تا مانع مجازات خودسرانه شود.

«وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا» (نساء، ۱۵) و از زنان شما، کسانی که مرتکب زنا می‌شوند، چهار تن از میان خود [مسلمانان] بر آنان گواه بگیرید پس اگر شهادت دادند، آنان [زنان] را در خانه‌ها نگاه دارید تا مرگشان فرارسد یا خدا راهی برای آنان قرار دهد.»

مفسران قرآن و فقها واژه امساک در این آیه را به معنای حبس و زندان دانسته‌اند (منتظری، ۱۳۷۹: ۳۷-۳۸). در کتاب *بدائع السالك قاضی ابن ازرق* به نقل از ابن فرحون و او نیز به نقل از این قیم جوزیه آمده است حبس شرعی این نیست که آدم را در یک جای تنگ زندانی کنند، بلکه بازداشت شخص و منع او از تصرف است چه در یک خانه باشد چه در مسجد (همان، ۳۰). البته در آیه یادشده حتی منع تصرف هم وجود ندارد و فقط حبس در خانه است. هرچند این حد از مجازات هم بعدها تعدیل شد. در اینجا، هدف ارزیابی و نقد این نوع مجازات نیست، بلکه فقط استفاده از مجازات حبس در خانه با بهره‌گیری از دستبند الکترونیکی برای برخی از زنان مجرم پیشنهاد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

مسئله پیامدهای زندان بر خانواده‌ها، به‌رغم اهمیت و گستردگی‌اش کمتر از سایر مسائل و موضوعات مرتبط با زندان مورد توجه محققان به‌ویژه در ایران بوده است و موانع دسترسی محققان به مطالعات میدانی در زندان و نبود داده‌های رسمی و معتبر و کافی از دلایل آن بوده است. با توجه به آمار تقریبی، تعداد زندانیان ثابت ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار نفر و تعداد زندانیان در گردش ۱۴۰۰۰۰۰ تا ۱۶۰۰۰۰۰ هزار نفر بوده است. با لحاظ کردن بعد جمعیت خانوار می‌توان به‌صورت تقریبی گفت از هر ۲۰ نفر، یک نفر به‌نوعی با مسئله زندان درگیر است. از این طریق می‌توان ابعاد تأثیر زندانی‌شدن افراد را بر خانواده و جامعه درک کرد. این پیامدها ابعاد فردی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دارند و شدت و ضعف آن‌ها به عوامل مختلف مانند نوع جرم زندانی، مدت محکومیت، وجود یا فقدان ارگان‌های حمایتی و نیز نوع برخورد جامعه با زندانی و خانواده او بستگی دارند. مسئله طرد اجتماعی و برچسب‌زنی از شایع‌ترین رویکردها در مورد زندانی و خانواده او است.

با توجه به مبحث پیش‌بینی روند آینده و مخاطرات و چالش‌های احتمالی و همچنین اعلام رسمی مقامات قضایی مبنی بر اینکه آمار پرونده‌های وارده به قوه قضاییه از مرز ۱۵ میلیون گذشته و هشدار درمورد آن، این روند مسئله زندان و خانواده زندانیان را نه تنها به یک بحران که به منبع برخی بحران‌های اجتماعی تبدیل می‌کند. نظریه کنترل اجتماعی نیز این وضعیت را ناشی از ضعف در فرایند کنترل اجتماعی در جامعه و ناکارآمدی آن در هر دو بعد درونی و بیرونی می‌داند. این وضعیت همچنین نشانه افول سرمایه اجتماعی یا عناصر پیونددهنده افراد به یکدیگر و جامعه است و به تعبیر دیگر نشانه ضعف چهار متغیر کنترل‌کننده رفتار اجتماعی است که عبارت‌اند از ۱. دلبستگی، ۲. تعهد، ۳. مشارکت، ۴. باور. همچنین، این روند جامعه‌پذیری را با اخلال جدی مواجه می‌کند. از این رو، توجه به راهکارهای ارائه‌شده اهمیت می‌یابند.

تسهیل ارتباط مستمر زندانی با خانواده و با جهان بیرون از زندان از عوامل مؤثر بر تقلیل پیامدهای منفی زندانی شدن فرد بر خانواده است. باید به راهکارهای مطرح‌شده در پایان پژوهش در سه سطح کلان، میانی و خرد که تأکید بر افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت نهادهای مدنی و حمایتی از جمله آن‌هاست، به‌عنوان بخشی از راهکارهای کاهش پیامدهای منفی زندان بر خانواده و جامعه توجه شود. همچنین، رسانه‌ها در اصلاح نگرش‌های جامعه به مسئله جرم، زندان، خانواده زندانی و شیوه کنترل جرم، در ذهنیت مردم و مدیران نقشی تعیین‌کننده دارند.

منابع

- آشوری، محمد (۱۳۸۲)، **جایگزین زندان یا مجازات‌های بینابین**، تهران: نشر گرایش.
- آنسل، مارک (۱۳۶۶)، **دفاع اجتماعی**، ترجمه محمد آشوری و علی نجفی ابرندآبادی، تهران: راهنما.
- آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۲۰ رئیس قوه قضاییه.
- اجلالی، پرویز (۱۳۸۳)، «نگاهی به آمار جرایم در ایران»، **مجموعه مقالات: آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران**، تهران: نشر آگه.
- احمدی، حبیب و ایمان، محمدتقی (۱۳۸۵)، «بررسی تأثیر مجازات مجرمین موادمخدر بر کیفیت زندگی خانواده‌های آنان: مورد مطالعه خانواده‌های زندانیان موادمخدر شهر شیراز»، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، شماره ۱: ۱-۱۹.
- ایمان، محمدتقی و مرادی، گلمراد (۱۳۹۰)، «روش‌شناسی نظریه اجتماعی گافمن»، **فصلنامه زن و جامعه**، شماره ۲: ۵۹-۷۸.
- باقی، عمادالدین (۱۳۸۳)، **روحانیت و قدرت**، تهران: نشر سرایی

- _____ (۱۳۹۳)، *دنیای بسته (جامعه‌شناسی و روان‌شناسی زندان از درون)*، تهران: سرایی.
- فردان، علی اصغر (۱۳۸۹)، «تأثیر محکومیت زندان بر خانواده‌ها و کودکان زندانیان»، *ماهنامه اصلاح و تربیت*، شماره ۹۸: ۷-۹.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی کجروی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عبدی، عباس (۱۳۸۱)، «مجازات زندان و ارتکاب مجدد جرم»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۲: ۷۷-۹۱.
- علوی، بزرگ (۱۳۹۰)، *ورق‌پاره‌های زندان*، تهران: انتشارات بدرقه جاویدان.
- فوکو، میشل (۱۳۷۸)، *مراقبت و تنبیه؛ تولد زندان*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
- مازلو، ابراهام اچ (۱۳۶۷)، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- محمود خلیفه، محروس (۱۹۹۷)، *رعايه المسجونين و المفرج عنهم و أسرهم فی المجتمع العربی*، الرياض: أكاديمية نايف العربية للعلوم الامنيه، ۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۷ م.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)، *سالنامه آماری کشور ۱۳۸۶*، تهران: مرکز آمار ایران، دفتر روابط عمومی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۷)، *سالنامه آماری کشور ۱۳۸۷*، تهران: مرکز آمار ایران، دفتر روابط عمومی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۸)، *سالنامه آماری کشور ۱۳۸۸*، تهران: مرکز آمار ایران، دفتر روابط عمومی.
- *مجمع تشخیص مصلحت نظام*، *آمار سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور*، سه‌شنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۲ <http://old.maslahat.ir>، ۱ اردیبهشت ۱۳۹۳.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۹)، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، ج ۴، تهران: نشر سرایی.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶ و ۱۳۸۷)، *طرح ملی پیمایش ملی سرمایه اجتماعی در ایران*، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- موریس، نوروال و دیوید ج. روتمن (۱۳۹۰)، *سرگذشت زندان (روش مجازات در جامعه غرب)*، ترجمه پرتو اشراق، تهران: انتشارات ناهید.
- منادی، مرتضی، *جامعه‌شناسی خانواده: تحلیل روزمره‌گی و فضای درون خانواده*، تهران: انتشارات دانژه. ۱۳۸۵
- نیکپور قنواتی، لیلا و احمدی، حبیب (۱۳۸۹)، «تأثیر زندانی‌شدن محکومین به جرایم موادمخدر بر وضعیت بهداشت روان زنان آن‌ها»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۱: ۱۴۳-۱۵۸.

مصاحبه‌ها

- باقی، عمادالدین (۱۳۸۳)، «تبدیل «حق» به «امتیاز»، روزنامه اعتماد ملی، شنبه ۳ مرداد ۱۳۸۸، روزنامه‌های توسعه و شرق مورخ ۸۳/۱۲/۲۶.
- _____ (۱۳۸۷)، «زندانبانی و جامعه مدنی»، *مجله شهروند امروز*، شماره ۴۴: ۶.
- _____ (۱۳۹۲)، «مسئولان تکلیف خود را با مدل کنترل جرم مشخص کنند»، *روزنامه آسمان*، شماره ۳: ۹.
- _____ (۱۳۸۴)، «مرخصی زندانبان «حق» یا «امتیاز»، *روزنامه شرق*، شماره ۲۲ اسفند ۱۳۸۴: ص ۱
- بنیانیان، زهرا (۱۳۹۲)، «۵۵ درصد زنان معتاد در ایران متأهل هستند»، *خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)*، ۱۴ اسفند.
- ربیعی و همکاران (۱۳۸۶)، «بررسی تأثیر اعطای ملاقات ویژه زندانبان در کاهش جرایم و تخلفات داخل زندان»، سایت aftabir.com، ۲۹ اردیبهشت.
- سلیمانی، اکبر (۱۳۸۵)، «اثرات زندان بر زندگی اجتماعی زندانی و خانواده او»، *روزنامه حمایت*، سه شنبه ۲۹ اسفند.
- سلیمی، سامرند (۱۳۹۱)، «مشکلات خانواده یک زندانی را می‌دانید؟»، *هفته‌نامه سلامت*، شماره ۷۱، چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت.
- صادقی، سیدمحسن (۱۳۹۱)، «سالانه ۱۱ میلیون پرونده قضایی در دادگاه‌ها تشکیل می‌شود»، *روزنامه ابتکار*، شماره ۲۵۰۰، سه‌شنبه ۱۲ دی‌ماه.
- شهریاری، حمید (۱۳۹۲) «افزایش ورودی پرونده‌ها در شعب دیوان عالی کشور؛ سرقت مستوجب تعزیر و مطالبه طلب بیشترین درخواست مردم» *سایت سردبیر*، ۲ تیر ۱۳۹۲ sardabir.com/websearch/22802.html
- علیزاده، عباسعلی (۱۳۸۷)، «پرونده تخلفات اداری در سال ۸۶ نسبت به سال قبل ۱۲ درصد رشد داشته است»، *روزنامه مردم‌سالاری*، شماره ۱۹۴۴، ۲۶ آبان: ۲.
- علمی، توانا (۱۳۹۱)، «کاهش ۱۳ درصدی آمار زندانبان ایران طی یک سال»، *روزنامه خراسان*، شماره ۱۸۳۳۸، دوشنبه ۲۳ بهمن.
- غنی، مهدی (۱۳۸۸)، «زندان با زندانی چه می‌کند»، *روزنامه اعتماد*، دوشنبه ۳۰ شهریور.
- محمدی فرود، حمید (۱۳۹۲)، *سایت سازمان زندان‌ها*، ۲۰ اسفند، به آدرس prisons.ir/index.php?Module=SMMArticles&SMMOp=View&SMM_CMD=&PageId=47
- Coleman, J. (1988), "Social Capital in the Creation of Human Capital", *American Journal of Sociology*, No. 94: S95-S120.
- Putnam, R. (1994), "What Makes Democracy Work?", *Review*, No. 1: 31-34.
- Rose, R. (1999), *Getting Things Done in an Anti-Modern Society: Social Capital and Networks in Russia*, Social Capital Initiative Working Paper No. 6. Washington, DC: The World Bank.
- Hoffman, D. (2000), *Criminal Justice*, New York: IDG Books Worlde wide.

- Goffman, E. (1961). *Asylums*.(ed) D, Cressey, New York: Holt, Reinhart & Winston.
- Cunningham, A. (2001), "Forgotten Families the Impacte of Imprisonment, **Family matters**, No. 59: 35-38.
- ACT Legislative Assembly (2004), **The Forgotten Victims of Crime: Families of Offenders and Their Silent Sentence**, Canberra: Australian Capital Territory Legislative Assembly.
- Action for Prisoners Families (2007), **Research on Prisoners' Families**, <http://www.prisonersfamilies.org>.
- Browne, D. (2005), **Research on Prisoners' Families– Building an Evidence Base for Best Policy and Practice**, Action for Prisoners' Families, <http://www.prisonersfamilies.org>.
- Deane, H. (1988), **The Social Effects of Imprisonment on Male Prisoners and Their Families**, Wellington: Institute of Criminology (Victoria University of Wellington).
- Department of Corrections (2003), **Census of Prison Inmates and Home Detainees**, <http://www.corrections.govt>.
- Hairston, C. (1991), "Family Ties During Imprisonment: Important to Whom and for What?", **Journal of Sociology and Social Welfare**, No. 18 1: 87-104
- Hairston, C. F. (2003), **Prisoners and Their Families: Parenting Issues During Incarceration**, In Travis, J. and Waul, M. (eds.), *Prisoners Once Removed: The Impact of Incarceration and Reentry on Children, Families and Communities*, Washington, D.C: The Urban Institute Press.
- Johnston, D. (1995), "Child Custody Issues of Women Prisoners: A Preliminary Report from the CHICAS Project", **The Prison Journal**, No. 75 (2): 222-239.
- Kingi, V. (1999), **The Children of Women in Prison**, PhD thesis, Wellington: Victoria University of Wellington.
- Light, R. and Campbell, B. (2006), "Prisoners' Families: Still Forgotten Victims?", **Journal of Social Welfare and Family Law**, No. 28: 297-308.
- Mills, A. (2004), **Great Expectations?: A Review of the Role of Prisoners Families**, Paper Presented to British Criminology Conference, Portsmouth, 30 July 2004.
- Mills, A. and Codd, H. (2007), **Prisoners Families**, In Jewkes, Y. (ed.), *Handbook on Prisons*, Devon: Willan Publishing: 672-695
- Morris, P. (1965), **Prisoners and Their Families**, London: George Allen & Unwin Ltd.
- Moris norval and Rothman. David. J. (1995), **The Oxford History of the Prison: The Practice of Punishment in Western Society**: Oxford University Press.
- Murray, J. (2005), **The Effects of Imprisonment on Families and Children of Prisoners**, In Liebling, A. and Maruna, S. (eds), *The Effects of Imprisonment*, Devon: Willan Publishing.
- Murray, J. (2007), **The Cycle of Punishment: Social Exclusion of Prisoners and Their Children**, Criminology and Criminal Justice, Sage Publications
- Murray, J. and Farrington, D. P. (2005), "Parental Imprisonment: Effects on Boys' Antisocial Behaviour and Delinquency through the Life-course", **Journal of Child Psychology and Psychiatry**, No. 46: 1269-1278.

- Murray, J., Janson, C. and Farrington, D. (2007), "Crime in Adult Offspring of Prisoners – A Cross-national Comparison of Two Longitudinal Samples", **Criminal Justice and Behavior**, No. 1: 133-149.
- National Health Committee (2008), **Review of Research on the Effects of Imprisonment on the Health of Inmates and Their Families**, Wellington: National Advisory Committee on Health and Disability.
- Prison Reform Trust. (1996), **Women in Prison: Recent Trends and Developments**, London: Prison Reform Trust.
- Pugh, G. (2005), **HMP Hollesley Bay: Visit & Family Ties Survey**, England: Ormiston Children and Families Trust.
- Quilty S. (2003), **Impact of Prisons on the Wider Community: Children in the First Line of Fire**, Presentation to the Public Health Association of Australia Incarceration Conference.
- Woodward, R. (2003), **Families of Prisoners: Literature Review on Issues and Difficulties**, Canberra: Australian Government Department of Family and Community Services.